

## تنش های خطرناک در حوزه خلیج فارس

در پی این بیانیه مداخله جویانه، شیخ نشین امارات در یک حرکت حساب شده یک لنج ایرانی را به همراه ناخدا و خدمه آن توقیف و آنها را به امارات منتقل کرد. پیش از این، این شیخ نشین حاشیه جنوبی خلیج فارس، در گرماگرم گفتگوهای جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا پیرامون سیاست و برنامه هسته یی ایران، با هدف تحت فشار قراردادن میهن ما، باردیگر ادعاهای کاملاً بی پایه در مورد جزایر سه گانه ایرانی را طرح و از اروپایی ها کمک طلبید. به دنبال این تنش ها، این بار، نوبت به شیخ

طی هفته های گذشته، حوزه خلیج فارس با تنش های بسیار خطرناک که، بطور عمده ناشی از حضور گسترده نظامی امریالیسم به ویژه امریالیسم آمریکا است رو به رو بود. بیانیه پایانی نشست وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در شهر جدّه که در آن ادعاهای بی پایه امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه ایرانی باردیگر مطرح شده بود، فصل نوبنی از تنش هایی را پدید آورد که، می تواند، عواقب بس ناگواری برای همه کشورهای حوزه خلیج فارس به همراه داشته باشد.

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۸۹، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲ تیرماه ۱۳۸۳

## لابلای خبرها

مبارزات گسترده زحمتکشان بر ضد

سیاست های ضد مردمی رژیم

ادامه دارد

در دو هفته اخیر اخبار گوناگونی در زمینه ادامه مبارزات زحمتکشان میهن ما بر ضد سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم انتشار یافت که از جمله مهمترین آنها گسترش مبارزه در صفوف پرستاران کشور و اقدام های اعتراضی آنان بر ضد سیاست های رژیم بود. بر اساس گزارش های منتشر شده نمایندگان پرستاران بیمارستان های تهران روز یکشنبه سی و یک خرداد، به منظور رسیدگی به مطالبات صنفی خود مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تحصن کردند. در این تحصن نمایندگان پرستاران بیمارستان ها تهران با در دست داشتن پلاکاردهایی با عنوان «مطالبات پرستاری چه شد؟»، «بی توجهی به پرستاری، بی توجهی به سلامت جامعه»، «آقایان سازمان مدیریت آیا تا کنون در بیمارستان های دولتی بستری شده اید؟»، «توقف خصوصی سازی کادر پرستاری»، «رفع تبعیض در پرداخت ها و سخت و زیان آور شمردن حرفه پرستاری»، «تعدیل ساعت کاری» و «تشبیت جایگاه آموزش پرستاری»

ادامه در صفحه ۲

## سراب «انتخابات آزاد» و تکرار شعارها و

### تاکتیک های آزموده شده!

حتی انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز انتخاباتی غیر دموکراتیک بود که شورای نگهبان ارتجاع از میان صدها نامزد انتخاباتی تنها اجازه شرکت به چهار نفر را داد. بنابراین طرح شعار «انتخابات آزاد» در کشوری که همه قوانین و نهادهای اساسی تصمیم گیری آن زیر نظر یک نفر و وابستگان او قرار دارند سرابی بیش نیست.

بیان کرده اند که از زوایای مختلف قابل تأمل است. بررسی اجمالی این نظرات روشنگر تفکر حاکم بر این مجموعه و در واقع تکرار همه آن حرف ها، شعارها و تاکتیک هایی است که در هفت سال گذشته به کرات به بوته آزمایش گذاشته شده است و ثمره اش وضعیت کنونی سیاسی کشور است. تکرار شعار «انتخابات آزاد» در حالی که تنها چند هفته از برگزاری انتخابات ضد دموکراتیک و ضد مردمی مجلس هفتم می گذرد و امیدوار بودن به این امر که سران کنونی رژیم با درس گیری از وضعیت بحرانی کشور «سر عقل» بیایند و به خاطر «نظام و اسلام» اجازه دهند انتخابات «آزادی»

ادامه در صفحه ۶

با قبضه کامل مجلس هفتم و اخراج جمعی اکثریت قاطع نمایندگان وابسته به جبهه دوم خرداد و روی کار آمدن یک مجلس یکدست از مرتجعان و مدافعان «ذوب در ولایت» به رهبری باهنر و حداد عادل، بحث بر سر انتخابات ریاست جمهوری آینده بالا گرفته است. مرتجعان وابسته به «ولی فقیه» از هم اکنون به دنبال پیدا کردن نامزد مناسب انتخاباتی و آماده کردن زمینه برای یکدست کردن حاکمیت و بازگرداندن اوضاع به دوران پیش از دوم خرداد ۷۶ هستند. در کنار این مانورها اصلاح طلبان حکومتی نیز در اظهار نظرهای گوناگونی برداشت ها و نظریات خود را درباره انتخابات آینده

اجلاس گروه ۸: هدف خاورمیانه

در صفحات ۸، ۵ و ۳

چاوز: «رقیب من در رفراندوم آینده، جورج بوش است»

در ص ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

است. وی همچنین با ادعای اینکه گویا کار و تحصیلات برای مسؤولان اهمیتی ندارد، عنوان کرد که یک کمک بهیار از یک پرستار طرحی، حقوق بیشتری می گیرد. پرستار دیگری همچنین گفت: هر پرستار موظف است چهل و چهار ساعت کار کند، گرچه چهل و چهار ساعت براساس قانون کار است اما در قانون کار، جمعه ها و روزهای تعطیل رسمی را دو برابر حساب می کنند که هیچ کدام از اینها در دانشگاه تهران اجرا نمی شود.

اگرچه شرایط دشوار کاری هزاران پرستار زحمتکش کشور و بی اهمیتی سران رژیم به این بخش زحمتکش جامعه که ارائه دهنده خدمات اساسی بی به جامعه است ریشه اساسی اعتراضات صنفی پرستاران کشور را تشکیل می دهد ولی این اعتراضات در عین حال نشانگر اوج گیری بیش از پیش نارضایتی توده های زحمتکش از رژیمی است که سیاست گذاری های آن در سطوح مختلف در تضاد آشکار با منافع ملی و مردم قرار دارد.

### ادامه سیاست های خصوصی سازی: بیکاری و اعتراضات کارگری

با ادامه سیاست های خانمان برانداز خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی کار، روند بیکاری هزاران کارگر از کارگاه های تولیدی کشور همچنان ادامه یافته و این امر از جمله زمینه های اساسی اعتراضات صنفی کارگران در شهرهای مختلف کشور است. به گزارش «خبرگزاری کار»، ایلنا، دبیر اجرایی خانه کارگر تشکیلات سیستان و بلوچستان در گفتگوی اختصاصی با این خبرگزاری در خصوص بحران موجود آمده در برخی از شرکت های این استان اظهار داشت: «ضعف در مدیریت و واگذاری شرکت ها به بخش خصوصی باعث ایجاد بحران در هشت شرکت استان و تعطیلی تدریجی این واحدها شده است.» میرشکار در ادامه تصریح کرد: بر اساس تحقیقات صورت گرفته از سوی خانه کارگر و کانون شوراهای اسلامی کار استان، سردخانه شیلات زاهدان، به دلیل واگذاری به بخش خصوصی و عدم توانایی کارفرما در پرداخت حقوق کارگران، کارخانه «الیاف هامون» زاهدان به دلیل عدم تامین مواد اولیه توسط کارفرما با بحران روبرو شده اند و شرکت کشت و صنعت گوهر کوه خاش پس از واگذاری به سازمان زندان ها از بهمن ماه حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. وی در ادامه افزود: «در شهرستان ایرانشهر کارخانجات فراگیر بافت بلوچ بدلیل ضعف مدیریتی و عدم تولید مناسب با اخراج حدود یک هزار نفر از باقی مانده پرسنل خود مواجه است. کارخانه آهک نیز بدلیل ضعف کادر مدیریت تعطیل و مجتمع دامپروری شهید زارع هم با مشکلات مشابه در حال تعطیلی است.» بر اساس همین گزارش دبیر اجرایی خانه کارگر استان با اشاره به بحران ایجاد شده در این استان گفت: «در شهرستان چابهار تمامی کارخانجات صنایع شیلات بدلیل عدم تامین ماهی مورد نیاز و ارسال صید استحصالی از دریای عمان به سایر نقاط کشور، در معرض تعطیلی هستند و در صورت ادامه این وضع پنج هزار از شاغلین این واحد بیکار خواهند شد.»

همچنین در گزارش ها آمده بود که جمعی از کارگران اخراجی شرکت «آما ۱»، به خبرنگار سرویس کارگری ایلنا گفتند که حاضر به

### ادامه لابلای خبرها ...

خواستار رسیدگی به مشکلات صنفی خود از سوی مسؤولان و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شدند.

شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، با اشاره به دید منفی کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی به مسأله بهداشت و درمان خاطر نشان کرد: «این دید منفی موجب ناکارآمدی سیستم بهداشت و درمان و از جمله قشر پرستاری شده، اما در این میان برخی از خواسته های ما از قبیل کمبود نیروی پرستاری که با پنجاه درصد ظرفیت مشغول به فعالیت هستند نه تنها مشکل پرستاری بلکه خواسته مردم نیز است.» بر اساس گزارش ایسنا، دبیرکل خانه پرستار در ادامه بیان کرد: اگر مردم نیازمند دریافت حداقل خدمات باشند به دوستان هزار پرستار نیاز داریم، در حالی که هم اکنون با صد هزار پرستار مشغول کار هستیم بنابراین بخشی از بار این کمبود به دوش پرستاران و بخشی بر دوش همراهان بیمار است و در این میان برخی از خدمات نیز ارائه نمی شود. وی ادامه داد: ما هر چقدر سعی کردیم که به سازمان مدیریت بقبولانیم که پرستاری امروز با سی و پنج سال پیش فرق می کند و بر خلاف گذشته و با توسعه بخشهای پرستاری و پرستار نیاز به مراقبت بیشتری وجود دارد. دبیرکل خانه پرستار با اشاره به حقوق کم پرستاران در سطح کارکنان دولت اذعان کرد: در تمام دنیا مدرک، سختی کار، تخصص، ریسک، شیفت های غیر متعارف، ملاک تخصیص پرداخت تمام رده هاست، اما در کشور به دلیل ضعف سیستم مدیریت بهداشت و درمان و سازمان مدیریت و برنامه ریزی، پرستاری با توجه به اهمیتی که دارد پایین ترین حقوق را در سطح کارکنان بهداشت و درمان دریافت می کند. شریفی مقدم اضافه کرد: طرح کارانه در بیمارستانها به طرز تبعی ضامیزی پرداخت می شود به نحوی که یک پزشک در بیمارستان هفتاد برابر یک پرستار دریافت می کند که این مورد در هیچ مکتب و طرحی پذیرفته شده نیست. دبیرکل خانه پرستار با اشاره به ساعت کاری پرستاران گفت: با توجه به سختی کار پرستاران، این افراد بر خلاف سایر گروه ها در هفته چهل الی چهل و چهار ساعت کار می کنند. به اعتقاد وی، در حق پرستاران بخش خصوصی ظلم مضاعفی صورت می گیرد.

همچنین در خبرها آمده بود که پرستاران بیمارستان «امام خمینی» و «سینا» در اعتراض به وضعیت کاری دشوار خود در مقابل بیمارستان مربوطه دست به تحصن زدند. بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا: پرستاران بیمارستان سینا در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود در این بیمارستان تجمع کردند. این پرستاران علل اصلی این تجمع را کمبود پرسنل با توجه به حجم سنگین کار، ناچیز و ناعادلانه بودن حقوق، مزایا و حکم های جدید، عدم پرداخت بیست میلیارد تومان تخصیصی دولت به پرستاران و عدم احتساب حق کارشناسی به پرستارانی که دارای مدرک لیسانس هستند، عنوان کردند. یکی از پرستاران علت اصلی این تجمع را عدم پرداخت بیست میلیارد تومان افزایش حقوقی دانست که سال گذشته و پس از اعتراض پرستاران برای ارتقاء انگیزه پرستاران به آنها اختصاص یافته بود. سرپرستار یکی از بخش های بیمارستان سینا نیز با اشاره به حکم های جدید سازمان مدیریت، گفت: بر اساس این احکام، حقوق یک پرستار بیست ساله با یک پرستار سه ساله نه تنها تفاوت چندانی ندارد، بلکه گاهی هم کمتر

## ادامه لابلای خبرها ...

اطاعت از حکم اخراج نبوده و قصد دارند تا در مقابل این عمل ایستادگی کنند. این کارگران می‌افزایند: مدیریت کارخانه، دلیل اخراج ۱۳۰ کارگر شرکت «آما ۱» را فشار آوردن اداره محیط زیست برای تعطیلی کارخانه اعلام می‌کند اما این توجیه، به جهت برخورد دو گانه مدیریت، پذیرفتنی نیست. بر اساس همین گزارش این کارگران گفتند: ۱۳۰ کارگر این شرکت که همگی قرار دادی هستند، مایل به ترک کار نبوده و به هر قیمت ممکن قصد دارند، شغل خود را حفظ کنند اما مدیریت حاضر به انتقال کارگران به شرکت «آما ۲» نیست. این کارگران گفتند: هم‌اکنون، حداقل شرایط استخدام، داشتن سن زیر ۳۰ سال و مدرک دیپلم است، اما سن همه ۱۳۰ کارگر قراردادی «آما ۱»، با بیش از ۱۰ سال سابقه کار بیش از ۳۰ سال بوده و توان یافتن کار جدید را ندارند، به همین جهت در صورتی که مدیریت حاضر به واگذاری شغل آنان نشود، کارگران به همراه خانواده هایشان در مقابل کارخانه تجمع خواهند کرد. کارگران اخراجی در ادامه اظهار داشتند: به اداره کار غرب نیز مراجعه کردیم که می‌گویند؛ رئیس اداره به مکه رفته‌است، معاونت اداره کار هم می‌گوید به من مربوط نیست و حراست نیز در را به روی مان می‌بندد. این کارگران در خاتمه گفتند: مالک شرکت مدت‌هاست که به کارخانه نیامده و مدیر عامل نیز روزی یک ساعت در محل کار حاضر می‌شود، اما هیچ کس نیست که دلیل اخراجمان را بگوید و تنها یک بار که موفق شدیم مالک شرکت را ملاقات کنیم، تنها پاسخی که داد، این بود که قراردادتان تمام شده و نمی‌خواهم آنان را تمدید کنم.»

بی حقوقی کارگران، حاکمیت یک حکومت ضد کارگری، نبود تشکل‌های واقعی سندیکایی که بتوانند از حقوق تضییع شده کارگران دفاع کند زمینه اساسی گسترش تعرضات شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی به کارگران کشور و روند فزاینده گسترش بیکاری در کشور است. این روند را تنها با گسترش و هماهنگ کردن مبارزات پراکنده کارگری و سایر قشرهای زحمتکش کشور می‌تواند متوقف کرد.

### نظرات متهم به شکنجه و قتل دگراندیشان در زمینه حقوق بشر و یادگیری اروپایی‌ها از رژیم ولایت فقیه

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، مصاحبه‌ی اختصاصی دارد با مرتضوی، از نزدیکان خامنه‌ای و دادستان تهران، که از زوایای مختلف خواندنی است. متن این مصاحبه که پر از ادعاهای گویبلی است بیشتر به تخیلات یک بیمار روانی تا واقعیت دستگاه بیداد قضایی رژیم فقها شبیه است. نکته جالب در این مصاحبه سؤال خبرنگار در زمینه محکومیت رژیم در زمینه حقوق بشر و پاسخ مرتضوی به اوست. وی ضمن رد هر گونه زیر پا گذاشتن شدن حقوق شهروندی در ایران و نمونه دانستن حقوق بشر در ایران کشورها اروپایی و پارلمان اروپا را با یادگیری از سیستم قضایی ایران فرا می‌خواند. طرح این ادعاها از جانب کسی که بر اساس شواهد و مدارک انکار ناپذیری، در سال‌های اخیر، در آزار و اذیت زندانیان سیاسی مستقیماً دست داشته است و همچنین از متهمان به قتل زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی است جالب توجه است. محکومیت مجدد ایران نشانگر ادامه سیاست‌های ضد انسانی رژیمی است که کوچکترین احترامی برای حقوق شهروندی قایل نیست.

## ادامه اجلاس گروه ۸...

خارجی عراق، یک کشور نفت خیز و بالقوه ثروتمند، که بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار می‌شود، وادارد. و این در حالی است که در ده‌ها کشور فقیر آفریقایی بخش‌های عمده‌ی جمعیت در معرض تهدید مرگ به دلیل گرسنگی هستند. مجله «قانون اساسی» (کانستیتوشن) - چاپ آتلانتا - در مقاله‌ی متذکر شد که برنامه بخشش بدهی‌ها که از سال ۱۹۹۹ در دستور کار اجلاس بوده به کندی پیش می‌رود و فقط شامل تعداد بسیار کمی از کشورهای فقرزده شده است. «کشورهای آفریقایی هر سال ۱۵ میلیارد دلار برای بدهی‌های خود می‌پردازند، و در حالی که سالانه نیازمند ۱۰ میلیارد دلار برای مبارزه با ایدز می‌باشند.»

اجلاس «گ-۸» همچنین در رابطه با ابتکاری برای کاهش دادن فحطی در شاخ آفریقا از طریق بهبود سیستم عکس‌العمل اضطراری و بالا بردن بهره‌وری کشاورزی و همچنین کمک برای بهبود امنیت غذایی بیش از ۵ میلیون مردمی که در شاخ آفریقا با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند، گفتگو داشت و مقرر کرد که تا سال ۲۰۰۹ این بخش از جمعیت از امنیت غذایی برخوردار شود.

اجلاس گروه ۸ همچنین توافقنامه‌ی در رابطه با جلوگیری از گسترش تسلیحات اتمی، که انتقال و فروش وسایل تکنولوژیک برای غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در می‌آورد، به امضاء رسانید. این قطعنامه ضمن تقویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، همچنین از ضرورت تصویب یک قطعنامه سازمان ملل که تکتیر تسلیحات اتمی را یک جرم جنایی اعلام می‌کند، حمایت می‌کند.

یکی دیگر از بحث‌های اجلاس در رابطه با دعوت برخی از کشورهای دیگر جهان که در روند «جهانی شدن» نقش‌های معینی دارند، به اجلاس‌های آینده بود. کشورهای عمده سرمایه‌داری جهان با تشخیص موقعیت ممتاز و موقعیت اقتصادی کشورهایی از قبیل هندوستان و چین و در چهارچوب اهمیت رشدیابنده آنان در تحولات جهانی و منطقه‌ی و با هدف مهار کردن پتانسیل عظیم اقتصادی این کشورها، خواهان دعوت آن‌ها به کلوپ ویژه خود هستند. برلسکونی، نخست‌وزیر ایتالیا، فاش کرد که سران گروه ۸ در رابطه با دعوت چین و هندوستان به اجلاس‌های آینده صحبت کرده‌اند. او گفت: «این زیاد قابل درک نیست که ما در غیاب دو کشوری که در صحنه جهانی بازیگران عمده‌ی هستند، در باره اقتصاد آینده صحبت می‌کنیم.» او گفت که اجلاس گ-۸ در مورد قدرت و توسعه وسیع اقتصاد چین صحبت کرده است: «ولیکن ما گفتیم که ما نباید از چین واهمه داشته باشیم، زیرا که این کشورها یک بازار عظیم مواد مصرفی هستند..... و این ایده مطرح شد که هند و چین را فرا بخوانیم که به گروه ۸ بپیوندند و آنرا به گ-۹ و یا گ-۱۰ تبدیل کنند.» تونی بلر نیز امکان دعوت از هند و چین برای پیوستن به گروه ۸ را تأیید کرد.

این مشخص است که بحث‌های اجلاس چه در رابطه با «ابتکار گسترش دموکراسی در خاورمیانه بزرگ»، چه در رابطه با «نقش ناتو در عراق»، چه در رابطه با «دعوت چین و هند به اجلاس‌های آتی» و چه در رابطه با «جلوگیری از گسترش تسلیحات اتمی و انتقال و فروش تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم» بطور عمده در راستای اهداف اولیه این کلوپ کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری یعنی تضمین گسترش و امنیت «جهانی شدن» سرمایه‌داری قرار داشت.

## ادامه تنش های خطرناک در حوزه ...

نشین قطر رسید که با ادعاهای واهی، یک لنج ایرانی را متوقف و سرنشینان آن را بازداشت کند.

روابط با قطر طی چند ماه گذشته، به علت اقدامات یکجانبه این شیخ نشین در بهره برداری از حوزه های نفت و گاز مشترک با ایران به ویژه حوزه بسیار عظیم پارس جنوبی گرم و دوستانه نبوده و نیست. قطر با حمایت همه جانبه امپریالیسم و تعدادی از شرکتهای فراملی، بر خلاف موازین بین المللی، از حوزه های مشترک با ایران در آب های خلیج فارس بیش از سهم شناخته شده و قانونی خود برداشت می کند. واکنش رژیم ولایت فقیه با این مساله از موضعی بسیار ضعیف و بطور کلی انفعالی است.

به این مجموعه باید اصطکاک منافع ایران با کشورهای عربی خصوصاً عربستان سعودی، کویت و اردن را در ارتباط با مسایل عراق افزود؛ تا ژرفای تنش هایی که منطقه را فراگرفته و میزان خطر آفرینی آنها به خوبی درک شود.

آنچه به میهن ما، به عنوان مهمترین و در عین حال بزرگترین کشور حوزه خلیج فارس مربوط می شود، دفاع از منافع ملی و حقوق مردم به علاوه ایجاد فضایی دوستانه و صلح آمیز است که در آن ملت های منطقه بتوانند در کنار یکدیگر در آرامش و بدون حضور بیگانگان زندگی نمایند و پایه های پیشرفت و ترقی کشورهای خویش را پی بریزند. ادعاهای امارات متحده عربی، در باره جزایر سه گانه ایرانی، امری تازه و تصادفی نیست. در این خصوص باید یادآور شد، هرگز در هیچ برهه یی از تاریخ این سه جزیره خارج از مالکیت ایران نبوده است. اینکه امارات و در تایید ادعای آن بقیه کشور های عرب مالکیت ایران را از سال ۱۹۷۱ میلادی ( یعنی زمانی که با خروج انگلستان از منطقه و جایگزینی رژیم ضد ملی شاه به جای آن به عنوان ژاندارم، این جزایر از انگلستان باز پس گرفته شد.) می دانند، به هیچ رو واقعیت ندارد. در سال ۷۱ میلادی، این سه جزیره از اشغال انگلستان خارج و باز پس گرفته شد، کلیه مدارک تاریخی حاکی از مالکیت ایران بر این قسمت از خاک آن است، نقشه های تاریخی موجود در معتبر ترین مراکز دانشگاهی و نظامی جهان و از آن جمله در فرانسه، روسیه، انگلستان، ایران و ترکیه بطور کاملاً روشن و تردید ناپذیر به حاکمیت و مالکیت ایران گواهی می دهند. به لحاظ جغرافیایی، جزیره ابوموسی با ۱۲ کیلومتر مربع به همراه جزیره تنب بزرگ که ۱۱ کیلومتر مربع و تنب کوچک که ۲ کیلومتر مربع مساحت دارند، ادامه چین خوردگی رشته کوه های زاگرس به شمار می آیند. جزیره ابوموسی که در دوره های گذشته ( گپ سبز ) و ( بابا موسی ) و ( بوموف ) خوانده می شد، یکی از ۱۴ جزیره استان هرمزگان با مرکزیت بندر عباس می باشد. این جزیره نزدیکترین پهنه خشکی خاک میهن ما به خط استوا است و با بندر لنگه ۷۵ کیلومتر فاصله دارد. این سه جزیره ایران، محوری را تشکیل می دهند که از نظر استراتژیک بی همتاست. زیرا بر تنگه هرمز اشراف داشته و راه عبور و مرور از این تنگه به خلیج فارس و از آنجا به دریای عمان و اقیانوس هند را کنترل می کند.

بعلاوه جزیره ابو موسی به عنوان یکی از مراکز صدور نفت خام

با ظرفیتی قابل توجه محسوب می گردد و این امر اهمیت آن را مضاعف کرده است.

در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران، این سه جزیره همواره بخش جدایی ناپذیر کشور بوده اند. اشغال نظامی این سه جزیره به مدت نزدیک ۸۰ سال توسط انگلستان دلیلی بر عدم حاکمیت و مالکیت ایران بر این جزایر قلمداد نمی شود. اصولاً چنین برخوردی صرفاً تبلیغاتی است و نمی توان برای آن مبنای قانونی و حقوقی قابل گردید. اگر این استدلال را که کشورهای عربی مطرح می کنند، یعنی اشغال حدود ۸۰ سال این سه جزیره توسط انگلستان پذیرفتنی باشد باید در قانونیت وجود خود کشورهای عربی، به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس تردید جدی کرد، زیرا همه این کشورها در دوره معینی از تاریخ تحت سیطره امپراتوری عثمانی بودند و پس از سقوط این امپراتوری، استقلال خود را باز یافته و برخی نیز پایه گذاری شدند.

لذا، تبلیغاتی از این دست فاقد مبنای منطقی و حقوقی بوده و نباید بر آنها فشاری کرد. نکته اساسی در اینجاست که، امارات متحده عربی در طرح ادعاهای بی پایه خود، در شرایط کنونی نه بطور مستقل که با اشاره دیگران دست به اقدامات تحریک آمیز می زند. این کشور با ادعاهای خود و به طور کلی تنش آفرینی، صرفاً وسیله یی می باشد در فشار وارد آوردن به ایران و مهار آن در اوضاع متحول و پیچیده خاور میانه و حوزه خلیج فارس. در این میان باید به نقش و حضور رژیم ولایت فقیه اشاره کرد. محور اساسی در سیاست خارجی و به بیانی دکترین امنیت ملی جمهوری اسلامی اصل حفظ نظام " به هر شکل ممکن است؛ گردانندگان رژیم با مبنا قراردادن این اصل در کلیه معادلات بین المللی و منطقه یی زبان های فوق العاده به منافع ایران وارد ساخته اند. موضع ضعیف ایران در روابط با کشورهای منطقه چه در حوزه دریای خزر و آسیای میانه و چه در حوزه خلیج فارس و خاور میانه بطور عمده ناشی از این واقعیت می باشد. تقریباً در کلیه رخ دادهای توفانی سالیان اخیر در منطقه، رژیم ولایت فقیه فرصتهای بزرگی را از کف داده و از این رهگذر حضور و نقش میهن ما در روابط بین المللی - منطقه یی، نقشی ضعیف، کم رنگ و دنباله روی از حوادث بوده است.

با توجه به اوضاع کنونی میهن ما و تسلط ارتجاع بر کلیه ارگان ها و نهادهای حکومتی، می توان و باید انتظار داشت، ایران بر خلاف موقعیت ممتاز و ظرفیتهای سیاسی اقتصادی - فرهنگی و تاریخی به حق خود، در معرض آسیب از تند بادهای تاریخی که هم اکنون در جهان و منطقه می وزد، قرار بگیرد. جمهوری اسلامی بنا به سرشت واپس مانده خود در شرایط سخت پیچیده منطقه موضعی انفعالی دارد و قادر نیست از منافع ملی ایران حفاظت کند.

حضور و بقا رژیم ولایت فقیه، قدرت های سلطه گر امپریالیستی و وابستگان آن در منطقه را نسبت به پایمال کردن منافع ملی و چشم داشت به تمامیت ارضی کشور، بیش از پیش گستاخ می کند. رژیم ولایت فقیه همچون رژیم بدون حمایت و پشتوانه مردمی رژیم می که جامعه را با شکاف طبقاتی ژرف و دردناکی تقسیم کرده و مشت می سرمایه دار نو کیسه را به بهای فقر اکثریت جامعه، ثروتمند ساخته، هرگز نمی تواند در معادلات بین المللی و منطقه یی حقوق تاریخی و منافع ملی کشور را تامین کند.

## ادامه اجلاس گروه ۸...

به دفاع از منافع حیاتی امپریالیسم هستند؟ پاسخ به چنین سئوالی تعیین کننده جهت عمده و محتوای سیاست اتحاد نیروهای سیاسی منطقه خواهد بود.

متن طرح مصوبه اجلاس با آنچه در ماه های اخیر از سوی جورج بوش مطرح شده بود برخی تفاوت ها را دارد مثلاً مشخص است که تحت فشار برخی رهبران اروپایی و به ویژه شیراک مساله ضرورت حرکت در جهت حل مساله درگیری اعراب و اسرائیل مورد اشاره قرار گرفته است. ولی طرح مصوبه همچنین تاکید می کند در حالیکه دست هر کشوری در تعیین سرعت و دامنه اصلاحات لازم باز خواهد بود، «درگیری های منطقه یی نباید مانعی در مقابل اصلاحات باشند».

شیراک در طول اجلاس در مخالفت با درک جورج بوش از تحمیل شکل ویژه یی از «دموکراسی» از طریق توپ و تانک اظهار داشت: «فرمول از پیش ساخته شده یی برای دموکراسی که بتوان به سادگی از یک کشور بر کشور دیگری منطبق کرد، وجود ندارد. دموکراسی یک متد نیست، یک فرهنگ است. برای اینکه دموکراسی به صورت پایدار و همیشگی در جهان عرب ریشه بگیرد، قبل از هر چیزی این باید یک دموکراسی عربی باشد».

متن بیانیه اجلاس در بر دارنده «ضرورت ایجاد دیالوگ منظمی» در رابطه با «دموکراسی» با کشورهای منطقه و همچنین ساختارهای «جامعه مدنی» در این کشورها است. بیانیه رسمی دولت اردن که در طول اجلاس منتشر شد از این طرح به عنوان «منعکس کننده ارجحیت های منطقه» استقبال کرد و در عین حال اخطار نمود که «اصلاحاتی که از خارج تحمیل می شوند» می توانند به ضد خود تبدیل شوند. در بیانیه دولت اردن خاطر نشان می شود که «مخالفتان اصلاحات سیاسی و اجتماعی می توانند به سهولت کوشش های اصلاح طلبانه را به مثابه اجرا کردن محض یک دستور کار از خارج صادر شده برضد منافع جهان عرب جلوه دهند.» «رفیق حریری»، نخست وزیر لبنان، نیز در عکس العملی در رابطه با این امر اخطار کرد که «کشورهای بزرگ حق ندارند که از طریق گروه های مختلف جامعه مدنی در کشورهای عربی عمل کنند، چرا که چنین کوشش هایی به ضد خود بدل خواهد شد».

تایمز مالی ۱۱ ژوئن متذکر شد که فقط دولت های خاورمیانه نیستند که در رابطه با طرح آمریکا خوشحال نیستند، بلکه بسیاری از نیروهای منطقه که می توانند این اصلاحات بهره مند شوند، می گویند که «آنها به آمریکا اطمینان ندارند» و اتفاقاً یکی از مسایل عمده یی که باید مورد توجه قرار بگیرد همین عدم اطمینان مردم و نیروهای سیاسی منطقه خاورمیانه به نیات ایالات متحده می باشد. بر رغم کوشش دولت آمریکا برای حضور سران کشورهای عربی در حاشیه اجلاس «گ-۸» به منظور مشروعیت دادن به آن از سوی سران کشورهای عمده منطقه که تمایلات مشخص آمریکایی دارند، رغبتی نشان داده نشد. سر مقاله «اخبار خلیج» در این رابطه اشاره می کند: «ایالات متحده از چندین کشور عربی و اسلامی برای شرکت در اجلاس دعوت کرده بود تا که آقای بوش بتواند طرح خود برای اصلاحات در خاورمیانه، یا اگر دقیق تر گفته شود، آنطور که اعراب به آن اشاره می کنند، «طرح تسلط بر خاورمیانه بزرگ»، را ارائه بدهد. طرح تسلط کشورهای خاورمیانه توسط آمریکا و اسرائیل. به همین دلیل است که بسیاری از رهبران عربی از پذیرش دعوت برای شرکت در این اجلاس خودداری کردند. بهر تاول عراق، الجزایر، بحرین، اردن و یمن تمایل خود به شرکت را اعلام کرده اند. و همچنین رهبران ترکیه و افغانستان. ولیکن شرکت آنان نمایشگر قبول و یا تصدیق این طرح از سوی کشورهای منطقه نیست، بلکه بیشتر به این معنی خواهد بود که خود را به مثابه آنانی که با بقیه متفاوت هستند، معرفی کنند.» اخبار خلیج در ادامه اشاره می کند که «این امر توسط اکثریت مردم خاورمیانه قبول شده است که در نهایت باید در تمامی عرصه های جامعه اصلاحات بشود. ولیکن این اصلاحات باید از درون هر ملتی، و بر اساس خواسته ها و تمایلات شهروندان آن، و با سرعت و زمانی که برای اکثریت آن جامعه قابل قبول باشد، بجوشد....»

در نهایت رئیس جمهور و نخست وزیر «دولت موقت عراق»، ملک عبدالله

و حامد کرزای جزو سرانی از «خاورمیانه بزرگ» بودند که در اجلاس شرکت کردند. سران کشورهای عمده عربی منجمله عربستان سعودی، مصر و تونس مشخصاً در اعتراض به کوشش های ایالات متحده برای تحمیل «ارزش های غربی بر فرهنگ های آنان» از شرکت در اجلاس خود داری کردند. طرح مصوبه اجلاس شامل اصلاحاتی نظیر «برگزاری انتخابات آزاد، مطبوعات مستقل، سیستم های قضایی بهتر، تعلیم قضات و وکلای دادگستری، قرضه و وام به شرکت های کوچک، و کارزارهایی برای کاهش بیسوادان به میزان ۲۰ میلیون نفر و هدف تعلیم و آموزش ۱۰۰/۰۰۰ معلم» می باشد. از بسیاری جهات می توان گفت که جورج بوش و سران سرمایه داری جهانی با نیتی مشابه سعی دارند که «انقلاب سفیدی» از آن دست که محمد رضا شاه در سال ۱۳۴۱ در ایران با هدف ساختاری کردن روابط سرمایه داری در کشور، اجرا کرد، در سطح خاورمیانه پیاده کنند.

## نقش رسمی برای ناتو در خاورمیانه؟

مساله عمده دیگر مطرح شده در بحث های اجلاس «گ-۸» که در رابطه با تحولات خاورمیانه می باشد، پیشنهاد ایالات متحده برای دادن مسئولیت «حفظ امنیت» عراق به نیروها و ساختار های فرماندهی پیمان نظامی ناتو بود. دولت ایالات متحده که از تبعات سیاسی وضع آشفته عراق واهمه دارد و نگران تاثیر این امر بر نتایج انتخابات ریاست جمهوری آبانماه این کشور می باشد، سعی کرد که همانند افغانستان تمامی کشورهای پیمان آتلانتیک شمالی را در مسئولیت ماجراجویی نظامی خود سهیم کند. توجه به پیشنهاد پرزیدنت بوش که از سوی تونی بلر، نخست وزیر انگلستان و همدست «سوسیال دموکرات» خود، حمایت می شد، از این نظر مهم می باشد، که این امر فقط ساعتی پس از تصویب یکپارچه قطعنامه شورای امنیت در رابطه با پروسه اعاده حاکمیت به مردم عراق مطرح می شد و منعکس کننده تفکرات و جهت حرکت آتی امپریالیسم در منطقه می باشد. بوش اعلام کرد که: «ما معتقدیم که ناتو باید مداخله داشته باشد. بسیاری از کشورهای عضو ناتو در موقعیتی نیستند که نیروی بیشتری را فراهم کنند. ما کاملاً این را درک می کنیم. ولی من فکر می کنم که ناتو باید در این مساله شرکت داشته باشد و من فکر می کنم که ما شانس خوبی برای انجام موفقیت آمیز این امر داریم».

همانگونه که پیش بینی می شد، فرانسه که برای خود و اتحادیه اروپا در خاورمیانه منافع مشخصی را در نظر دارد و حاضر به حرکت در تحت پرچم فرماندهی آمریکا نیست، از این پیشنهاد انتقاد کرد. شیراک که بدرستی دست بوش را برای سهیم کردن کشورهای اروپایی در ماجراجویی نظامی در عراق و اشغال غیرقانونی این کشور خوانده است، به صراحت گفت که نقشی برای این پیمان نظامی نمی بیند: «من فکر نمی کنم که این به عهده ناتو است که در عراق دخالت کند. از این فراتر، من این احساس را ندارم که از نظر زمانی حساسیت های موجود درک شده است. من در مورد این مساله تردیدهای جدی دارم».

ایالات متحده که از نظر ابعاد نیروهای نظامی و تسلیحات موقعیت بی نظیری در ناتو دارد، سعی می کند با شرکت دادن این پیمان تجاوزگر در عراق عملاً خاورمیانه و خلیج فارس را به محدوده عملکرد آن بیفزاید.

## توافق نامه های اجلاس و دعوت چین و هند!؟

در کنار بحث های پرسر و صدا و تبلیغاتی اجلاس در رابطه با ضرورت بخشش و یا تخفیف بدهی کشورهای فقیر آفریقا، سران اجلاس همچنین در رابطه با مسایلی از قبیل ضرورت برخورد با گسترش بیماری ایدز در آفریقا که اکنون در برخی از کشورها تمامی جمعیت و آینده اجتماعی و اقتصادی را تهدید می کند، تبادل نظر کردند. رئیس جمهور ایالات متحده سعی کرد که اجلاس را به بخشودن عمده بدهی های

## ادامه سراب «انتخابات آزاد»...

برگزار شود که بتوان خاتمی دیگری را به مسند ریاست جمهوری نشانده نشانگر پافشاری لجوجانه بر درک غلط و ارزیابی نادرست از وضعیت سیاسی کشور و توازن قوا میان نیروهای مختلف سیاسی است. حمیدرضا جلالی پور «عضو دفتر سیاسی جبهه مشارکت» در گفت و گویی با خبرنگار رویداد، در ارزیابی نسبتاً واقع بینانه تری ضمن اشاره به مسایل و بحث های روز در زمینه انتخابات، از جمله تلاش محافل وابسته به ارتجاع برای زمینه سازی برای مطرح کردن شهردار تهران به عنوان نامزد «جوان» انتخابات آتی می گوید: «برخلاف آنچه در برخی محافل و جلسات مخالف اصلاحات مطرح می شود، مسأله مهم در انتخابات ریاست جمهوری بحث «جوانگرایی» یا «پیرسالاری» نیست.» به گفته جلالی پور «متغیر اصلی در رقابت های انتخاباتی که از انتخابات مجلس هفتم در جمهوری اسلامی بروز پیدا کرده آن است که نتیجه انتخابات باید از قبل تضمین شده باشد. این امر، به آن خاطر برای مخالفان اصلاحات که مخالف انتخابات آزاد و منصفانه هم هستند، اهمیت دارد که آنها نمی خواهند اشتباه سال ۷۶ را تکرار کنند و ناگهان کاندیدایی نظیر سیدمحمد خاتمی به پیروزی برسد.»

بحث اساسی نیز بر سر همین نکته اساسی و ظریف است که حاکمیت ارتجاع با توجه به تجربیات گذشته نه تنها خواهان تکرار تجربه خاتمی در خرداد ۷۶ نیست بلکه بر سر تکرار تجربه ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی هم نیز دچار تردید و شک است. تاریک اندیشان حاکم به این نتیجه مهم رسیده اند که با توجه به وضعیت بحرانی کشور به یک چهره نیرومند صد در صد وابسته به جریان «ذوب در ولایت» نیازمندند که بتوان کشتی طوفان زده رژیم را به ساحل برساند. امیر محیبیان، از نظریه پردازان سرشناس ارتجاع و عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت در این زمینه می نویسد: «به نظر می رسد وضعیت و موقعیت کشورمان در صحنه جهانی در شرایطی است که میطلبد در انتخابات ریاست جمهوری نیروهایی در صحنه حاضر شوند که توان مدیریت بحران را داشته باشند» محیبیان آب پاکی را روی دست منتقدان حاکمیت و کسانی که هنوز سراب «انتخابات» آزاد را در سر دارند می ریزد و می گوید: «در این انتخابات دغدغه های تایید و رد صلاحیت - به دلیل اینکه شاکله ذهنی شورای نگهبان برای همه اهل سیاست مشخص است - کمتر است. معتمد کسانی به این میدان خواهند آمد که از تایید صلاحیتشان اطمینان دارند اما اینکه نحوه چالش های سیاسی چگونه خواهد بود به عوامل بستگی دارد که یکی از مهمترین آنها که صحنه ی سیاسی انتخابات آینده را روشن می کند، آمدن و یا نیامدن آقای هاشمی رفسنجانی است.»

در اخبار هم چنین آمده بود که در نشست و رایزنی های درونی جریان راست حسین صفار هرنیدی، معاون مدیر مسوول روزنامه کیهان و از فعالان جریان انصار حزب الله خواستار «ترکاندن پوسته چهره های موجود و به میدان آمدن چهره های جوانی چون احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری شده بود» بر اساس گزارش «رویداد روز دوشنبه ۲۵ خردادماه، اعضای «شورای مرکزی جمعیت ایشارگران انقلاب اسلامی» که در تشکیل ائتلاف آبادگران نقش مهمی بازی می کنند و اغلب دارای سوابق نظامی و امنیتی هستند، با اکبر هاشمی رفسنجانی ملاقات کردند. در این ملاقات آنها به صراحت از ضرورت حضور چهره های جوان و جدید در انتخابات

سخن گفته اند و به نوعی تلاش کرده اند تا به رفسنجانی اعلام کنند که در صورت کاندیداتوری در انتخابات با واکنش جریانهای تندروی جناح راست مواجه خواهد شد. «همچنین نشریه «نسیم البرز» «ارگان شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» که زیر نظر ناطق نوری و وابستگان ولی فقیه منتشر می شود، ضمن اشاره به ضرورت حفظ وحدت نیروهای ارتجاعی زیر پرچم «آبادگران» از جمله اشاره کرد که: «پیروزی جریان اصولگرا به «راست» معروف نه با تداوم روش های قبلی و استراتژی پیشین این جریان (که در مقطع پیش از انتخابات مجلس هفتم و شوراهای دوم بر این جناح حاکم بود) بلکه مدیون تشکیل ائتلاف و چیدمان جدید در نخبگان و الیت های سیاسی این جریان (که تحت عنوان ائتلاف «آبادگران» متحد شدند) بود. به تعبیر بهتر و صریحتر، نسل دوم و سوم جریان اصول گرا که تاکنون در زیر نفوذ معنوی و سنتی نخبگان نسل اول این جریان (که بیشتر در حزب پرسابقه مؤتلفه اسلامی گردآمده اند) ضمن عبور توأم با احترام از طیف سنتی و قدیمی جریان اصول گرا، توانستند اقبال عمومی را کسب کنند...»

البته از ادعاهای مسخره «اقبال عمومی» که بگذریم پیدایش جریان «آبادگران» در روند انتخابات مجلس هفتم تلاش مرتجعان حاکم برای ارائه پوشش جدیدی که حداقل به منفوری جریان هایی همچون هیئت های مؤتلفه و جامعه روحانیت مبارز نباشد و در عین حال با طرح شعارهای عوام فریبانه بتواند بخش هایی از پایگاه های اجتماعی از بین رفته حاکمیت را بازسازی کند. شکست مفتضحانه این جریان در انتخابات مجلس و آراء چند درصدی نمایندگان منتسب به آن نشان داد که مردم ما بسیار هوشیار تر از آنند که حضرات تصور آن را دارند. حضور نمایندگان آبادگران و تسخیر مجلس هفتم توسط این جریان تنها به دلیل حذف هزاران نامزد انتخاباتی توسط شورای نگهبان تحقق یافت و نه اقبال چهره های منفور و افشا شده یی همچون باهنرها.

شعار «انتخابات آزاد» از چندین سال گذشته به کرات از سوی نیروها و جریان های سیاسی مختلف مطرح و به آزمون گذاشته شده است و بی شک زمان آن فرا رسیده که با توجه به تجربیات کسب شده از تکرار آزموده های شکست خورده پرهیز کرد و به جستجوی راه کارهای مناسب برای رهایی میهن از چنگال استبداد پرداخت. واقعیت این است که در دو دهه اخیر «انتخابات آزاد» به مفهوم واقعی کلمه هیچ گاه در میهن ما برگزار نشده است. حتی انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز انتخاباتی غیر دموکراتیک بود که شورای نگهبان ارتجاع از میان صدها نامزد انتخاباتی تنها اجازه شرکت به چهار نفر را داد. بنابراین طرح شعار «انتخابات آزاد» در کشوری که همه قوانین و نهادهای تصمیم گیری آن زیر نظر یک نفر و وابستگان او قرار دارند سراسری بیش نمی تواند باشد. تصور اینکه مرتجعان حاکم، ولی فقیه و انصار او به صورت داوطلبانه حاضر خواهند شد تا اهرم های اساسی قدرت را در اختیار نیروهای مدافع مردم قرار دهند خیال خامی است که حداقل تجربه هفت سال اخیر نادرستی آن را به کرات به اثبات رسانده است. تنها با بسیج نیروهای مردمی در گسترده ترین سطح در جامعه و تشدید مبارزه و وارد کردن فشار به بالاست که تزارهای کنونی جمهوری اسلامی مجبور خواهند شد همچون سلف شاهنشاهی شان صدای انقلاب مردم را بشنوند و در مقابل آن تسلیم گردند. بدون این نیروی بسیج شده و صف متحد نیروهای ضد دیکتاتوری تکرار شعارهای سوخته گذشته و پافشاری و لجاجت بر آنها خاک پاشیدن به چشم مردم و توجیه بی عملی و مماشات با استبداد حاکم است.

طریق سازمان های غیر دولتی تشویق خواهد کرد. ایالات متحده با کمک مالی به فعالیت های سازمان دموکراتیک ملی، تعویض قدرت از طریق انتخابات را تشویق می کند. ...»

در قبال این گونه نظرها، نیروهای اپوزیسیون نیز با موضع گیری های خود نشان داده اند که «گزینه بهتری» برای آمریکا هستند. چاوز آشکارا «ماریا کورنیا ماچادو» و سایر اعضا گروه موافق فراندوم را به دلیل دریافت کمک مالی، مصوبه آمریکا که بالغ بر ۸۰۰ هزار دلار است، به خیانت علیه کشور متهم کرده است. ماچادو، مساله خیانت برضد کشور را رد کرده است اما در عین حال قبول دارد که سازمان او از طرف بنگاه «بنیاد ملی برای دموکراسی»، تامین مالی می شود. یک نهاد «غیردولتی» که بودجه آن از طرف کنگره آمریکا تامین می شود مورد حمایت دولت آمریکاست. راه پیمایی ۶ ژوئن در واقع نوعی بر آورد نیرو برای هردو جناح (دولت و اپوزیسیون) بود: صف آرای اکثریت جامعه، متشکل از زحمتکشان و فقرای جامعه، در برابر صاحبان سرمایه های مالی و امپریالیسم آمریکا. و در چنین شرایطی، چاوز، معتقد است که به دلیل حمایت اکثریت مردم از برنامه های انقلابی و مردمی، هیچ راهی برای پیروزی سرمایه داری وجود ندارد.

هر چند که در توطئه های گوناگون گذشته امپریالیسم، نیروهای مردمی توانسته اند حکومت منتخب و قانونی کنونی را بر سر قدرت نگهدارند، اما نمی توان پیروزی در فراندوم به نفع چاوز را یک امر مسلم خواند. هنوز سازماندهی منظم در بین مردم وجود ندارد و هنوز تغییرات ایجاد شده نتوانسته اند آنگونه که لازم است، تحولات جدی را در زندگی اکثریت فقیر مردم بوجود آورند. اما نباید این امر را نیز نادیده گرفت که مردم در حال حاضر تغییرات بوجود آمده و جهت مردمی این تغییرات را حس می کنند و این که این تحولات در راه تامین منافع اکثریت جامعه صورت می گیرد. از سویی دیگر، رهبری اتحادیه های کارگری بزرگ، به ویژه صنایع نفت، در دست طرفداران سرمایه داری است و در ارتش نیز هنوز بسیاری از شرکت کنندگان در کودتای سال ۲۰۰۲، در پست های خود باقی هستند که هر کدام از آنها، می توانند با نزدیک تر شدن به فراندوم زمینه های ایجاد نارضایتی و بی نظمی را در کشور فراهم کنند.

تجربه چند سال اخیر نشان داده است که اتکا به نیروهای مردمی، بهترین تضمین برای مقابله با توطئه های محافل سرمایه داری است و آنها را با مشکلات جدی برای به دست گرفتن قدرت رو به رو ساخته است. برای پیروزی در انتخابات آتی و اطمینان حاصل کردن در این پیروزی، نیز به سازمان دهی جدی و منظم تری بین توده های مردمی نیاز است، آنچه در حال حاضر حول محور سازمان های موسوم به «محفل های بولیواریایی» صورت می گیرد.

این محفل ها که عمدتاً در مناطق محل زندگی زحمتکشان تشکیل یافته اند، نقشی جدی در مقابله با کودتا و سایر توطئه های سرمایه داران در چند سال اخیر داشته اند. مخالفین چاوز در تلاش هستند تا این نهادهای مردمی را متلاشی کنند و برای دست یابی به قدرت، حاضرند به هر توطئه و ریسکی دست بزنند. مخالفینی که همچنان به بازار، رسانه های گروهی دست راستی، بانک ها و دیگر عرصه های کلیدی قدرت اقتصادی جامعه ونزوئلا مسلط هستند و تلاش می کنند تا از طریق دامن زدن به افزایش بیکاری و احتکار مواد ضروری مردم، به ویژه مواد غذایی، به نارضایتی ها برضد دولت چاوز، دامن بزنند و قدرت را به دست بگیرند. اما آنها با مقاومتی جدی از سوی زحمتکشان و فقرای ونزوئلا روبه رو هستند.

زحمتکشانی که ضرورت تحولات را درک می کنند و می دانند که به رغم کاستی ها و کمبودهای کنونی، این تحولات در راه تامین منافع آنها صورت می گیرد و آگاه هستند که در مبارزه دشوار و نابرابر خود برضد سرمایه داری داخلی و حامیان امپریالیستی آنها، از پشتیبانی و حمایت زحمتکشان و محافل دموکرات جهان برخوردار هستند. مردم ونزوئلا در تقابل با برنامه های ویرانگر، استثمارگرانه و غیر انسانی سرمایه داری، به آینده یی آزاد، مرفه، مستقل و انسانی چشم دوخته اند.

## چاوز: «رقیب من در فراندوم آینده، جورج بوش است»

بیش از یک میلیون نفر از مردم ونزوئلا در ۶ ژوئن، در همایشی عظیم در خیابان های کاراکاس، به پشتیبانی و حمایت از رئیس جمهور منتخب این کشور، هوگو چاوز، پرداختند.

این همایش در جواب به «شورای ملی انتخابات ونزوئلا»، مبنی بر تأیید فراندوم در رابطه با انتخابات پیش از موعد، صورت گرفت. شورای ملی انتخابات ونزوئلا پس از بررسی بیش از ۲،۴۵۱،۸۲۱ امضاء «جمع آوری شده» از طرف نیروهای اپوزیسیون، برگزاری فراندوم را پذیرفت. این فراندوم قرار است که در ۱۵ اوت انجام بگیرد. تعیین تاریخ انجام فراندوم از این نظر مهم بود که در صورتی که فراندوم پس از ۱۹ اوت صورت بگیرد، در صورت شکست چاوز، معاون رئیس جمهور برای دوره دوساله باقیمانده، ریاست جمهوری را به عهده خواهد گرفت. در حالی که برگزاری فراندوم قبل از ۱۹ اوت به این معنی است که در صورت پیروزی مخالفان، انتخابات پیش از موعد ریاست جمهوری باید در فاصله یکماه انجام پذیرد.

انتخابات پیش از موعد، تازه ترین توطئه امپریالیسم و طرفداران آن در ونزوئلا، برای سرنگونی دولت چاوز است. در آوریل ۲۰۰۲، امپریالیسم و کارگزاران داخلی آن، دست به یک کودتای نظامی برضد چاوز زدند و به طور موقت حکومت را به دست گرفتند. در فاصله دسامبر ۲۰۰۲ تا فوریه ۲۰۰۳ نیز با به راه انداختن یک سری اعتصاب و خرابکاری، اقتصاد کشور را تا مرز ورشکستگی کشاندند. افت اقتصادی ونزوئلا در این مدت برابر با ۹/۵ درصد بود که مانعی جدی بر سر راه تحقق برنامه های اجتماعی به وجود آورد. نیروهای مخالف چاوز پس از آن نیز برای دامن زدن هرچه بیشتر به نارضایتی ها، در سیستم آمد و شد و وسایل نقلیه، (ترافیک)، دست به خرابکاری زدند تا شهرهای بزرگ را فلج کنند، اما هر باره، حضور مردم و مقابله آنها با این توطئه ها، تمامی این خشونت ها و نقشه ها و اعمال غیر قانونی را به شکست کشاند.

اکنون سرمایه داران ونزوئلا با پشتیبانی کامل امپریالیسم آمریکا، با «جمع آوری» امضاء، توطئه انتخابات پیش از موعد را به مردم این کشور تحمیل کرده اند.

در جریان «جمع آوری» امضاء ها، تقلب ها و تخلفات فراوانی صورت گرفت، که این امضاء ها را فاقد اعتبار می کند. در بسیاری از نقاط، پلیس مواد و وسایل جعل کارت شناسایی را در مراکز احزاب اپوزیسیون یافته است و بسیاری از امضاء ها نیز از طریق تهدید کارگران و کارمندان به اخراج، از طرف کارفرماها، جمع آوری شده است. از نمونه های مشخص آن، کارخانه نوشابه سازی کوکا - کولا است که در آن کارگران کارخانه تهدید شده بودند که در صورت امضا نکردن فرم ها برای فراندوم، از کار اخراج خواهند شد. نمونه دیگر بیمارستان ال لیانتیو El Liantio بود که در آن به بیماران گفته شده بود که: «اگر امضا نکنید، عملتان نخواهیم کرد.» در این مرکز رای گیری ۲۰۰ بر گه رای گیری پخش شده بود اما ۴۰۰ بر گه رای جمع آوری شد. وزارت کار نیز ۱۲۴ شرکت را متهم کرده است که کارمندان خود را برای شرکت در رای گیری تحت فشار قرار داده اند. در بسیاری از نقاط نیز با پرداخت پول، اقدام به خرید امضاء شده بود. هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، با استناد به بیانیه های کاخ سفید، با محکوم کردن ایالات متحده در روز ۱۲ ژوئن، اعلام کرد که نیروهای اپوزیسیون از کمک های مالی آمریکا برخوردار هستند و گفت: «رقیب من در انتخابات پیش از موعد، جورج دابلیو بوش است.» در روز ۱۷ ماه مه محافل مرتبط با دولت آمریکا با استناد به گزارشی که توسط نیروهای مخالف چاوز در ونزوئلا، تهیه شده بود، دولت ونزوئلا را به نقض حقوق بشر محکوم کرد و اعلام داشت که برای «حل بحران سیاسی در ونزوئلا، سفارت (آمریکا)، ترویج دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق سیاسی را از

## اجلاس گروه ۸: هدف خاورمیانه

۸امسال مساله محوری به هماهنگ کردن مواضع قطب های مختلف سرمایه داری جهان در رابطه با آینده تحولات در خاورمیانه اختصاص داشت. و باید اذعان داشت که اجلاس در این رابطه به موفقیت های مشخصی دست یافت.

### در اجلاس چه گذشت؟

در اجلاس «گ-۸» که پنج روز پس از انجام مراسم یادبود عملیات پیاده شدن نیروهای متفقین در سواحل نورماندی (فرانسه) در آخرین ماه های جنگ جهانی دوم و چندین ساعت پس از رای یکپارچه شورای امنیت به قطعنامه یی در رابطه با روند اعاده حاکمیت عراق، بر گزار می شد، بخش عمده یی از مسائل به تحولات خاورمیانه تعلق داشت. ایالات متحده و انگلستان سعی داشتند که از تبعات رای شورای امنیت در رابطه با آینده عراق به نفع موضع خود در کل منطقه خاورمیانه بهره برداری کند. پیشنهاد اصلی جورج بوش برای گنجاندن در دستور کار اجلاس «گروه ۸»، تبادل نظر در مورد طرحی برای «اصلاحات دموکراتیک در خاورمیانه در رابطه با تخفیف گرایش هایی که مترادف با عدم ثبات و تروریسم می باشند» و اتخاذ موضع مشترک در این رابطه بود. در سال های اخیر جناح راست افراطی حزب جمهوریخواه در جهت تامین هژمونی ایالات متحده در این منطقه استراتژیک و به لحاظ منابع انرژی ثروتمند، سیاست های ویژه یی را تعقیب کرده است. از جمله چنین سیاست هایی لشکر کشی تحت لوای «مبارزه با تروریسم» و کوشش برای تغییر رژیم در تعدادی از کشورهای منطقه می باشد. این سیاست ها اگر در مورد عراق از طریق حمله نظامی و اشغال این کشور، جاری شد در مورد کشورهای دیگر و از جمله عربستان سعودی و یا جمهوری اسلامی ایران می تواند اشکال دیگری را بگیرد. اجلاس «گ-۸» کشورهای سرمایه داری جهان در رابطه با «مشارکت برای پیشرفت و آینده یی مشترک با منطقه خاورمیانه وسیع و همچنین شمال آفریقا» مصوبه مهمی داشت. اجلاس با تصویب لزوم گفتگوی منظم با دولت ها و نیروهای مدافع «جامعه مدنی» عملیات خود را برای سوء استفاده از شعارهای آزادیخواهانه مردم و نیروهای سیاسی طرفدار دموکراسی جهت شکل دهی به تحولات سیاسی منطقه فاش نمود. نیروهای سیاسی مردمی و ترقی خواه منطقه و از جمله حزب توده ایران، نمی توانند تبعات بسیار جدی چنین مصوبه یی را در نظر نگیرند. آیا ایالات متحده در کشورهای منطقه به دنبال سازمان بخشی و شکل دهی به نیروهای سکولار و «دموکراتی» است، که حاضر

مطبوعات و صاحب نظران سیاسی جهان تحلیل های متفاوتی در مورد دستور کار و نتایج اجلاس سران هشت کشور قدرتمند سرمایه داری جهان در جزیره «سی» در جورجیا (ایالات متحده) ارائه داده اند. عنوان صفحات اول گزارش رسانه های پر تیراژ غرب عمدتاً در باره بی حاصل بودن این اجلاس و حتی عبث بودن برگزاری آن و یا نحوه لباس پوشیدن رئیس جمهور فرانسه و یا نخست وزیر انگلستان بود. آنچه که در اکثر این تحلیل ها به چشم نمی خورد، بررسی دقیقی از روند مذاکرات و نتایج آن بر پایه اهداف اولیه این اجلاس سالانه اصلی ترین شخصیت های تصمیم گیرنده سیستم سرمایه داری جهان می باشد. این حقیقت که در این اجلاس هماهنگ کردن سیاست های کشورهای سرمایه داری جهان در رابطه با خاورمیانه و استمرار گسترش «جهانی شدن» موضوع اصلی مباحثه، توافق و تصمیم گیری بود، از نظر بسیاری از تحلیل گران پنهان ماند. تحلیل برخی از صاحب نظران از این پایه نشست می گیرد که گویا در اجلاس «گ ۸» گروهی از رهبران کشورهای سرمایه داری با هدف یک گردهمایی تبلیغاتی و نمایشی، و بعضاً تصمیم گیری موضعی در مورد این و یا آن عرصه مشخص اقتصاد سرمایه داری، و تدوین قطعنامه هائی در رابطه با مسایلی که در اقصی نقاط جهان صورت می گیرد، با هم ملاقات می کنند. اقدام برگزار کنندگان این اجلاس و طراحان آن به انتشار متن قطعنامه های عمدتاً تبلیغاتی در رابطه با مسایلی از قبیل بیماری ایدز، بدهی کشورهای فقیر و یا لزوم توجه به محیط زیست نیز به چنین در کی از ماهیت اجلاس دامن می زند. چنین برخوردی با این اجلاس با اهمیت عمده ترین شخصیت های سیاسی تصمیم گیرنده در رابطه با جهت گیری جهان سرمایه داری از دقت ضرور برخوردار نیست. واقعیت اینست که کشورهای سرمایه داری برای تصمیم گیری در مورد مسایل مشخص و جزئیات اقتصاد در قالب ساختارهای دقیقاً طراحی شده و حرفه یی نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و یا سازمان تجارت جهانی عمل می کنند. در رابطه با مسایل نظامی، امنیتی و سیاسی نیز ساختار هایی نظیر پیمان نظامی ناتو و ارگان های اساسی آن و یا تبادل نظرهای متقابل و یا چندجانبه نقش جا افتاده و مشخصی دارند. لذا عدم توجه به مرکز توجه و هدف اصلی ساختار هایی مانند اجلاس گروه هشت (قبل از آن تا سال ۱۹۹۶ گروه ۷ و در شروع اجلاس در سال ۱۹۷۵ گروه شش) می تواند گمراهی تحلیل و تحلیل گر را به دنبال داشته باشد.

تصمیم به تشکیل سالانه و منظم اجلاس سران کشورهای عمده سرمایه داری در سال ۱۹۷۵ و با هدف هماهنگ نمودن جهان سرمایه داری در عمده ترین محورهای ضرور برای «جهانی شدن» و بعداً گسترش نولیبرالیسم اتخاذ شد. این اجلاس که در ابتدا شش عضو داشت (ایالات متحده، ژاپن، انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا) با پیوستن کانادا به اجلاس گروه ۷ معروف شد. دعوت روسیه به شرکت در اجلاس ابتدا در مقام ناظر و اکنون عضو کامل دقیقاً متوجه گسترش «جهانی شدن» سرمایه داری در این کشور و کشورهای همسایه آن بود. آنچه که از ابتدای دهه ۹۰ میلادی مورد توجه سرمایه داری جهانی بوده است، بوجود آوردن شرایط سیاسی مشخصی در خاورمیانه است که گسترش «جهانی شدن» به آن نیازمند می باشد. تلاش ویژه ایالات متحده و متحدان برای اعمال نفوذ بر تحولات منطقه و دادن سمت و سوی مشخص به پروسه مذاکرات صلح بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین در دهه ۱۹۹۰ میلادی از این مساله نشئت می گیرد. تشکیل اولین اجلاس منطقه یی سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۴ در عمان، پایتخت اردن، در همین رابطه است. و در ادامه چنین برداشتی است که در اجلاس گ -

ادامه در صفحه ۵

### کمک های مالی رسیده

۵۰ یورو

کارگر شیرازی

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 689**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

22 June 2004

**شماره فاکس و**  
**تلفن پیام گیر ما**  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse